زمانی برای دیدار آنا کارنینا با جو رایت

عمر موری . ترجمه: پریا لطیفی‌خواه

در مقایسه با قبل، جو رایت پخته‌تر شده است، البته این جاافتادگی مربوط به دیدگاه و استعدادش به عنوان یک فیلمساز نمی‌شود، اما به عنوان فردی که با تجارت فیلمسازی سروکار دارد، می‌توان ادعا کرد که پخته‌تر شده است. سال گذشته که در حال ساختن فیلم«هانا» بود به تجربیاتش در ارتباط با مدیران هالیوود هنگام ساخت فیلم سوم خود به نام «تکنواز»، اشاره کرد. به نظر می‌رسد هنوز هم مزه خشم و ناامیدی و تقلب‌هایی که در صنعت فیلمسازی هالیوود می‌شود، زیر زبان این فیلمساز بریتانیایی هست.

از سال گذشته دو اتفاق برای جو رایت افتاده است، اول اینکه رابطه کاری‌اش با فوکوس فیچرز مستحکم‌تر شده است (ارتباطی که تقریبا از سال ۲۰۰۴ آغاز شد)، البته رایت علاوه بر فیلم آخرش«آنا کارنینا»، چهار فیلم دیگرش را نیز با همین شرکت ساخته است و اتفاق دوم تشکیل خانواده.

سازنده فیلم«تاوان»، معتقد است که کارگردانی«آناکارنینا»- تازه‌ترین اقتباس فیلمی از داستان‌بلند و معروف تولستوی که در واقع داستانی افسانه‌ای و مرموز درباره پیچیدگی‌ها و مصیبت عشق، آرزو، اشرافیت و سیاست است- بهترین فرصت برای اثبات کردن توانایی‌هایش بوده است. این اقتباس جدید از «آنا کارنینا» که جو رایت آن را با همکاری فیلمنامه‌نویس برنده اسکار، تام استاپارد، ساخته؛ در مقایسه با سایر آثار این کارگردان زنده‌تر، تئاتری‌تر و بی‌پرواتر است. جو رایت با خنده می‌گوید: «احساس می‌کنم، یک‌جورهایی همیشه دلم می‌خواسته این فیلم را بسازم، ولی می‌دانید هیچ‌وقت جراتش را نداشتم. اما یک‌دفعه با خودم گفتم حالا دیگر وقتش رسیده. دیگه در کارم آن‌قدر مهارت کسب کردم که از پسش بر بیام. با خودم گفتم به جهنم، این کارو می‌کنم شد که چه بهتر اما اگر موفق نشدم این حرفه را کنار می‌گذارم.»

به نظر می‌رسد کارگردان «آنا کارنینا» که کت آبی ملوانی، شلوارجین آبی و بلوز چهارخانه قرمز برتن دارد و با آرامش و لبخندی پیروزمندانه مقابل من نشسته است، از جایگاه و موقعیتی که در زندگی به دست‌آورده کاملا احساس رضایت دارد: خانواده، سینما و آزادی.

و گویی همین حس آزادی به او این اجازه را داده تا داستان تولستوی را این‌گونه بسازد. «می‌خواستم خودم را به جلو هل بدهم. به همین دلیل ایجاد سبک، مخصوصا در ارتباط با حرکات موزون و سبک بازیگری، چیزهایی بودند که برایم خیلی جذاب بودند.»

به نظر می‌رسد جو رایت، صحنه تئاتر را بهترین مکان برای خلق «آنا کارنینا» می‌داند و به همین دلیل فیلمش را با یک لوکیشن واحد ساخته است (کاملا شبیه صحنه تئاتر)! اگرچه شاید به‌عقیده برخی تبدیل کردن چنین اثر برگزیده‌ای به یک فیلم تئاتری، نه‌تنها بودجه را محدود می‌کند، بلکه تمام انتخاب‌های زیبایی‌شناسانه برای رسیدن به اهداف سینمایی را از بین می‌برد. البته جو رایت در جواب این عده می‌گوید: «فکر می‌کنم که محدودیت در خلاقیت همیشه نوعی آزادی با خود به همراه می‌آورد. منظورم این است که اگر هیچ محدودیتی نداشته باشید، آن‌وقت انتخاب‌های متعدد تمام مجموعه را فلج می‌کند و احتمال اینکه در دام ایده‌ها یا کارهای قبلی خودتان یا دیگران بیفتید بیشتر می‌شود. اما وقتی به خودتان می‌گویید که قرار است این صحنه را در این محدوده مشخص فیلمبرداری کنم، آن وقت آزاد می‌شوید. انگار بال درمی‌آورید و می‌توانید پرواز کنید.»

به لحاظ حرفه‌ای، به نظر می‌رسد که جو رایت در صحنه فیلم‌هایش تنها با کایرا نایتلی- بانویی که خودش وی را برای پرده بزرگ سینما به ارمغان آورد- پرواز می‌کند. این بازیگر بریتانیایی که دانش آموخته آکسفورد است اولین‌بار با فیلم «غرور و تعصب» (یک اثر اقتباسی دیگر) جو رایت به مخاطبان هالیوودی معرفی شد. و دو سال بعد گرفتار فیلم دیگر این کارگردان به نام «تاوان» (باز هم یک فیلم اقتباسی) شد. و ظاهرا کایرا نایتلی برای جو رایت، همان حکم پنلوپه کروز برای پدرو آلمادوار را دارد:

احساس می‌کنم، یک‌جورهایی همیشه دلم می‌خواسته این فیلم را بسازم، ولی می‌دانید هیچ‌وقت جراتش را نداشتم. اما یک‌دفعه با خودم گفتم حالا دیگر وقتش رسیده. دیگه در کارم آن‌قدر مهارت کسب کردم که از پسش بر بیام. با خودم گفتم به جهنم، این کارو می‌کنم شد که چه بهتر اما اگر موفق نشدم این حرفه را کنار می‌گذارم

«من و کایرا در فرآیند آماده‌سازی فیلم هر دو به کار یکدیگر احترام می‌گذاریم که به نظرم همین دلیل باعث می‌شود که خیلی به کار یکدیگر بیاییم. راستش فکر می‌کنم این خیلی مهم است که احساس کنید همه چیز را تحت‌کنترل دارید، به این ترتیب وقتی سرصحنه فیلم حاضر می‌شوید می‌توانید همه چیز را فراموش کنید. آن‌وقت است که احساس آزادی در شما جاری می‌شود. مثلا یک تنیس‌باز، وقتی در حال بازی است مطمئنا دیگر به آنچه در گذشته یاد گرفته، فکر نمی‌کند و فقط با تکیه به حس غریزی‌اش بازی می‌کند. اما تمام آنچه که قبلا یاد گرفته او را آماده می‌کند تا جایی که به آن نقطه غریزی برسد.» آن‌طور که رایت می‌گوید، کایرا نایتلی برای آنکه بتواند درک درستی از زمان رمان و شخصیتی که باید نقش آن را ایفا می‌کرد به دست آورد؛ تقریبا صفحه به صفحه داستان قطور تولستوی را خوانده و قسمت‌های مهم آن را با برچسب‌های رنگی برای خودش مشخص کرده و درباره‌اش با دیگران بحث و تبادل نظر کرده بود.

«آنا کارنینا» که ازجمعه در سینماهای آمریکای شمالی به روی پرده رفته است، روایتگر داستان روسیه سال‌های ۱۷۸۰ است؛ اگرچه بسیاری از آشفتگی‌های سیاسی داستان در فیلم رایت بازتاب نداشته است. فیلم نشان می‌دهد که آنا ظاهرا با رضایت و خوشنودی به عقد ازدواج کارنین (با بازی جود لا) در می‌آید، اما پس از چندی برق نگاه جوانی خوش‌سیما به نام کنت ورونسکی (با ایفای نقش آرون تیلور جانسون) او را گرفتار دام عشقی خانمان‌سوز می‌کند. پیچیدگی‌ها آغاز می‌شود. طراحی حرکات موزون، که از مشخصه‌های بارز آثار رایت به شمار می‌رود- خصوصا در دو فیلم «تکنواز» و «هانا»- در هیچ کدام از فیلم‌های قبلی او به اندازه این فیلم قوی نبوده است. فیلم از سرخوشی‌ها، مخاطرات و شکوه عشق جان می‌گیرد. شخصیت لوین در کتاب و در فیلم جمله‌ای دارد که چنین بیان می‌شود: «عشق به انسان هدیه داده شده تا جفت خویش را بیابد و با او انسانیت خویش را کامل کند.» به عقیده رایت این جمله مهم‌ترین چیزی است که تولستوی می‌کوشد آن را به خواننده خود تفهیم کند: «این فکر که عشق به ما این قدرت را می‌دهد که با خداوند صمیمانه راز دلمان را بگوییم. و این حالت فقط از طریق روابط ما با اطرافیانمان به‌وجود می‌آید، در رابطه من با همسرم، بچه‌هایم، خانواده‌ام. از طریق همین رابطه‌هاست که می‌توانم خداوند، هستی و آن نیروی مقدس را درک کنم. اگر من بتوانم با خانواده‌ام آزادانه حرف بزنم، آنها را بشنوم و با آنها در آرامش زندگی کنم، همه این چیزها در نهایت موجب می‌شود تا به آن آرامش درونی که همیشه به دنبالش هستم برسم. از نظر من تولستوی می‌خواهد همین را به ما بگوید. تولستوی ۴۰سال داشت که این رمان را نوشت، ازدواج کرده بود و اولین بچه‌اش به دنیا آمده بود؛ او با نوشتن این داستان انگار می‌خواست بفهمد که «از این نقطه به کجا می‌توانم بروم؟» جالب اینجاست که رایت هم که این فیلم را بر اساس داستان‌بلند تولستوی ساخته است، ۴۰ سال دارد و او هم مثل نویسنده کتاب ازدواج کرده و یک فرزند دارد!

«آنا کارنینا» فیلمی است سرشار از نماهای نزدیک رنگارنگ و همین موضوع هر چه بیشتر بر شدت احساسات و تنش‌های صحنه می‌افزاید.

منبع: http://www.examiner.com

نمای نزدیک

نقدی بر فیلم «آنا کارنینا»

خانه عروسک

لزلی فلپرین. ترجمه: ساسان گلفر

واقع‌گرایی کلاسیک، وجه مشخصه بیشتر اقتباس‌هایی بوده که تاکنون از رمان «آنا کارنینا» به عمل آمده است و از این لحاظ جو رایت تصمیم بلندپروازانه‌ای گرفته که این رمان را به شیوه‌ای استیلیزه، تیره و تار و اکسپرسیونیستی از کار درآورد. وقوع بیشتر کنش‌های در صحنه‌ای که تقلید از سن تئاتر است، جنبه‌های بازیگرانه رفتار شخصیت را مورد تاکید قرار می‌دهد و این راهبردی است که کایرا نایتلی با ایفای نقش آنای عصبی که نسبت به همتایان سابق خود کمتر قابل همذات‌پنداری است، آن را تقویت می‌کند.

تصمیم رایت برای به روی صحنه بردن بیشتر رفتارهای طبقه اشراف در فضایی شبیه به صحنه تئاتر که با پرده‌ها و اشیای صحنه تکمیل می‌شود- شاید عده‌ای از تماشاگران را سردرگم کند اما وقتی که دری باز می‌شود و چشم‌اندازی غیرمنتظره را نشان می‌دهد که لوین (دمنال گلیسن) در آن حضور دارد، این تمهید معنای خود را پیدا می‌کند. محافل درباری سن‌پترزبورگ و مسکو در تضاد با این صحنه، کاملا مصنوعی هستند؛ انگار این تئاتری است که بی‌وقفه جریان دارد و هیچ حریم شخصی نمی‌شناسد و همه در آن دیده می‌شوند، درست مثل عروسک‌خانه‌ای که در عمارت اوبلنسکی دایم مورد اشاره قرار می‌گیرد. حتی قطارهایی که نقشی حیاتی در داستان دارند، میان ترن‌هایی عمدا ساختگی در ابعاد واقعی و قطارهای اسباب‌بازی در میان پودر برف مصنوعی در نوسان هستند.

جو رایت بار دیگر نشان داده است که به خوبی می‌تواند چگونه نایتلی را به بهترین وجه در اثرش به کار بگیرد (بهترین آثار این بازیگر همچنان «غرور و تعصب» و «تاوان» رایت هستند) و ظاهر بازیگر، گفتار دکلمه‌گونه او و احساس شک نسبت به خود، همه به نفع او عمل می‌کنند. آنایی که نایتلی ایفا می‌کند زنی است که با رفتارهای احمقانه و بر عهده گرفتن نقش قهرمان زن رمانتیک نمی‌تواند به سرانجام کارش بیندیشد، شخصیتی که بی‌شباهت به سابینا اسپیرلین- نقش دیگری که نایتلی در «روش خطرناک» داشت- نیست.

با این حال، فیلم بی‌برو برگرد اثری است یخبسته و علت آن هم فقط برف نیست. اما از جنبه فنی، این «آنا» واقعا اثری چشمگیر است، از فیلمبرداری درخشان سیموس مک‌گاروی و موسیقی دلپذیر داریو مارینلی تا طراحی معرکه سارا گرینوود که با دقت و قرینه‌سازی در جامه‌های آنا، به این شخصیت بی‌همتا حسی از مدرنیته سال ۲۰۱۲ می‌بخشد.

منبع: ورایتی

چشم‌اندازی در مه

زندگی‌های متعدد آنا کارنینا

هارلو رابینسون

عشق و خیانت موضوعاتی هستند که هرگز کهنه نمی‌شوند، این اصل در مورد مثلث‌های عشقی هم مصداق دارد و شاید همین اصل بتواند توجیه مناسبی باشد برای اینکه چرا داستان «آنا کارنینا»ی لئو تولستوی که ۱۳۴ سال قبل در روسیه به چاپ رسیده، همچنان دوست‌داشتنی است و در بین بسیاری از فیلمسازان، آهنگسازان، طراحان حرکات موزون، بازیگران و حتی طراحان مد و لباس محبوبیت خود را حفظ کرده است. داستان آنا کارنینا در واقع موضوعاتی چون قدرت و ثروت، نشاط و اشرافیت را با عشق‌های زمینی، فداکاری‌های مادرانه و عشق ناب درهم می‌آمیزد تا زندگی را تمام و کمال به نمایش بگذارد.

شاید تولستوی، این پیام‌آور پر ریش، هرگز تصورش را هم نمی‌کرد که روزی مجموعه‌ای از لباس‌های پوشیده‌شده در فیلم‌های اقتباس شده از داستانش، به نمایش عمومی درآید و با قیمت‌های گزاف به فروش برسد.

نکته مورد توجه اینجاست که حتی تولستوی (۱۹۲۰-۱۸۲۸) که خود داعیه اخلاق‌گرایی دارد نیز به نوعی شیفته شخصیت آنا کارنینا شده باشد. اگرچه از نظر تولستوی رفتار آنا- که پسرش را برای رسیدن به عشقش رها می‌کند- گناه آلود است اما همچنان آنا را به صورت مادری دلسوز به تصویر می‌کشد. اگرچه تولستوی در انتهای داستانش آنا را به شدت مجازات می‌کند اما شخصیت او در نظر خواننده مقبول‌تر و مورد پسندتر از دو مردی است که او و زندگی‌اش را به تباهی کشیده‌اند.

«آنا کارنینا» تاکنون الهام بخش اپراها، تئاترهای موزیکال، نمایشنامه‌های رادیویی و حدود ۳۰ فیلم و سریال‌های تلویزیونی بوده است. اولین فیلم اقتباس شده از این داستان بلند، در روسیه و چهار سال پس از مرگ تولستوی اکران شد. یک سال بعد شرکت فیلمسازی فاکس نخستین نسخه آمریکایی «آنا» را با بازی بتی‌نانسن هلندی، در نقش آنا کارنینا، ساخت. البته فیلم با شکست مواجه شد و در کنار آن پرونده سینمایی نانسن هم به نوعی بسته شد. اما در سال ۱۹۲۷ بازیگر خوش‌ذوق و بااستعداد سوئدی، گرتا گاربو، ثابت کرد که آنا می‌تواند بر روی پرده نقره‌ای موفقیت کسب کند. جان گیلبرت، نامزد گاربو در زندگی واقعی نیز در این فیلم در نقش معشوق آنا- کنت ورونسکی- ظاهر شد. این زوج جوان در کنار یکدیگر «شور و حرارت» (نام اولیه فیلم «شور و حرارت» بود که بعدها به «عشق» تغییر نام داد) لازم را به فیلم دادند که در پیشبرد داستان آن نقش بسزایی داشت. مدیران شرکت فیلمسازی متروگلدن مایر، از آنجا که نگران بودند پایان داستان (در پایان داستان اصلی آنا خودش را به زیر قطار می‌اندازد و می‌کشد) موجب شکست فیلم شود، دو پایان‌بندی برای فیلم ساختند یکی غم‌انگیز همراه با خودکشی آنا و دیگری با پایان خوش که دو دلداده پس از مرگ شوهر آنا به یکدیگر می‌رسیدند و دست سینماها را در انتخاب باز گذاشته بودند، البته اغلب سینماها پایان خوش را برای اکران برمی‌گزیدند. گاربو بار دیگر در سال ۱۹۳۵ در فیلم ناطق که همان نام کتاب اصلی را داشت، نیز با شرکت گلدن مایر همکاری کرد. این بار اما فردریک مارچ نقش ورونسکی را بازی می‌کرد. گاربو که در نقش یک بالرین روس به نام گروسینسگایا، در فیلم «گراندهتل» در سال ۱۹۳۲ بازی کرده بود، حالا

نمایی از فیلم آناکارنینا- جود لا

دیگر تجربه بیشتری در مورد بازی در نقش‌های روسی کسب کرده بود. برای فیلمسازان هالیوودی داشتن لهجه روسی مهم بود چراکه معتقد بودند برای القای هرچه بهتر فضای اعیان و اشراف روسیه داشتن کمی لهجه کمک بزرگی بود و لهجه سوئدی گاربو به او خیلی کمک می‌کرد.

۹ سال بعد، ویوین لی که به تازگی از بازی در فیلم «بر باد رفته» فارغ شده بود، پیشنهاد بازی در نقش آنا کارنینا را پذیرفت. این فیلم که در سال ۱۹۴۸ ساخته شد از حضور یک تیم ازنویسندگان و فیلمنامه‌نویسان قوی از جمله ژان آنویی فرانسوی بهره‌مند بود. در این فیلم سیاه‌وسفید که اقتباسی غم‌انگیز بسیار محدود از داستان اصلی تولستوی بود، هیچ اثری از قدرت و شور و هیجان کتاب اصلی دیده نمی‌شد. ویوین لی که در این فیلم از بازیگوشی‌های ذاتی‌اش دست برداشته بود؛ به خوبی توانست از عهده ایفای نقش آنا برآید و خوش بدرخشد. قطاری که برخی صحنه‌های حساس فیلم در آن می‌گذشت در واقع یک ماکت بود که قبلا در یک فیلم کارتونی از آن استفاده شده بود.

در سال ۱۹۶۷ یک شرکت فیلمسازی روسی یک اقتباس حماسی بسیار پرخرج از داستان «آنا کارنینا» ساخت که تمام لوکیشن‌های فیلم در روسیه می‌گذشت. فیلم آن پویایی و اعتباری که فیلم‌های قبلی فاقد آن بودند را در خود داشت. الکساندر زارخی از کارگردانان کارآزموده و باتجربه روس، یک فیلم رنگی با توجه به تمام جزییات روسیه آن دوران ساخت. تاتیانا ساموییلووا، بازیگر باهوش و خوش‌چهره سینمای روسیه که به دلیل بازی در فیلم «لک لک‌ها پرواز می‌کنند» محبوبیت بسیاری به دست آورده بود، در این فیلم در نقش آنا ظاهر شد. بدون شک این فیلم بیشتر از اینها تحسین می‌شد اگر در سال ۱۹۶۸ جشنواره بین‌المللی فیلم کن به دلیل اعتصاب دانشجویان در فرانسه تعطیل نمی‌شد.

نخستین نسخه آمریکایی فیلم «آنا کارنینا» که صحنه‌هایش در روسیه فیلمبرداری شد را برنارد رز در سال ۱۹۹۷ کارگردانی کرد. در این فیلم که سیزدهمین اقتباس فیلمی از داستان تولستوی به شمار می‌رفت سوفی مارسو فرانسوی در نقش آنا کارنینا ظاهر شد.

همچنین در سال ۲۰۰۰ یک اقتباس تلویزیونی با بازی هلن مک‌کروری و کوین مک‌کید از شبکه چهار تلویزیون بریتانیا پخش شد.

تازه‌ترین اقتباس از داستان «آنا کارنینا» را جو رایت کارگردان فیلم «تاوان» ساخته است که از جمعه گذشته بر پرده سینماهای آمریکای شمالی به نمایش درآمده است. در این فیلم کایرا نایتلی و جود لا، بازیگران بریتانیایی، بازی می‌کنند.

فیلمنامه این فیلم را تام استاپارد، نمایشنامه‌نویس و فیلمنامه‌نویس برنده جایزه اسکار، نوشته است. کایرا نایتلی در این فیلم نقش آنا را برعهده دارد، زن متاهلی که با سربازی جوان‌تر از خود رابطه دارد. جود لا نقش الکسی کارین، همسر او را ایفا می‌کند.

منبع: بوستون گلوب

جدول ۱۶۲۴

افقی:

۱ - از وسایل آشپزخانه - نوازش شده ۲ - یار وامق - آتشگاه - ساکن محله ۳ - وسیله سنجش - کتابی ازلرد بایرون نویسنده انگلیسی - مقابل بیگانه۴ - ماه سرد - داغ خارجی - همسر مرد - متقارب ۵ - دختر پادشاه - نام معروف‌ترین تراژدی یونان ۶ - زمستان - بهشت شداد - اذان گو ۷ - مرزبان - شیرین - مقابل کفر ۸ - بندر اوکراین - دروغ ترکی - نوعی پارچه ۹ - باید - اجنبی - قرض و وام ۱۰ - فلز مجسمه‌سازی - نغمه - موی گردن شیر ۱۱ - سرخ - جمع سحر ۱۲ - پر و آکنده - ویتامینی در روغن‌ها - بیم - رمق آخر ۱۳ - خاک گور - یکی - مهر وموم شده ۱۴ - جوانمرد - در آب فرو رفتن - یکی از بخش‌های اوستا که در مراسم مذهبی خوانده می‌شود ۱۵ - حشره قطاری - کتابی از پیر بنوا

عمودی:

۱ - میانه - پایتخت افغانستان - پاره ۲ - لهجه ترکی - آشفته عشق - محرم اسرار ۳ - فریاد مهیب - جسم فلزی نرم و سبک - به‌هیچوجه ۴ - رمز عملیات فتح المبین - مخلوط قیر و ماسه ۵ - دریاچه ترکیه - مهربانی کردن - بالای فرنگی ۶ - یازده - برابر - اندوه - مخفف من را ۷ - بخشش - اصطلاحی در ورزش کشتی - مهربانی ۸ - جاده شمالی - شهر ایتالیا - اثری از فدریکو گارسیالورکا ۹ - شیپور بزرگ جنگی - نادرست - نقطه بیگانه ۱۰ - بانگ و آواز -نفس غنیمتی - ناپاک بودن - نتی در موسیقی ۱۱ - کلمه شگفتی - فیلم ملاقلی‌پور - جای مورد احترام ۱۲ - قابل ارتجاع - گلی زیبا ۱۳ - سمت مشرق - خطی که میزان بالا و پایین رفتن درآمد یا چیزهای دیگر را نشان می‌دهد - وجود دارد ۱۴ - از درختان جنگلی شمال - اثر تربیتی ژان ژاک روسو - نوعی بستنی سنتی ۱۵ -پروانه ماشین و هواپیما - بانگ، صدا - واحد اندازه‌گیری ظرفیت خازن

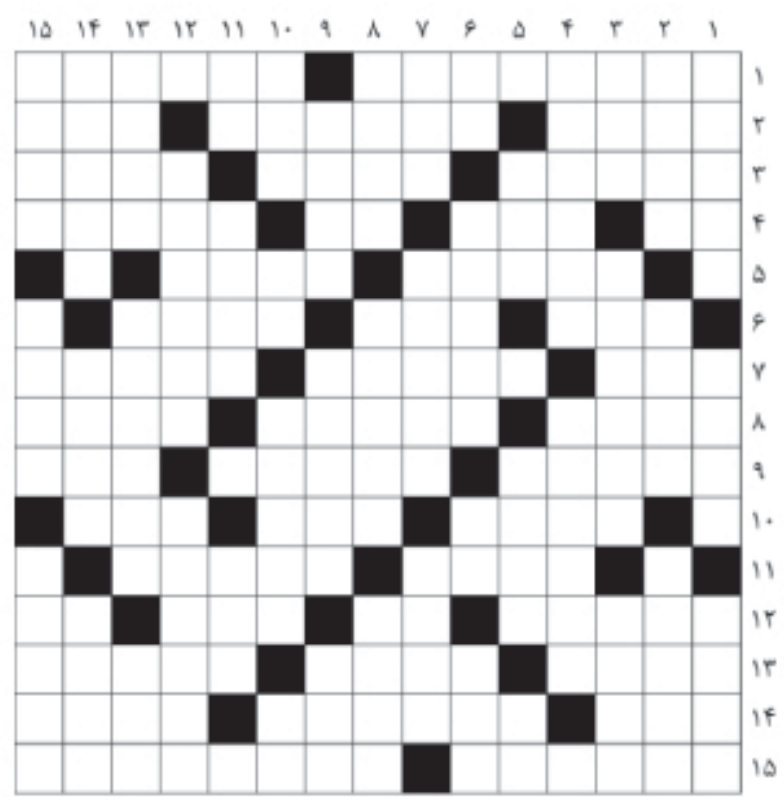

جدول ۱۶۲۳

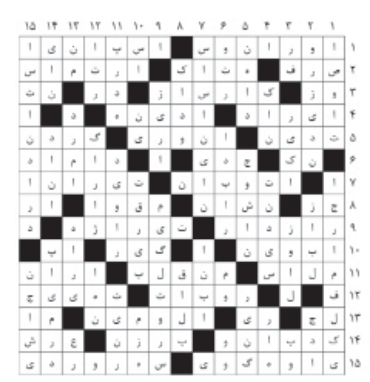

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو سخت ۲۷۷

			۴		۵			
				۸	۲	۷		
۷		۵	۹			۶		
	۱					۵	۲	
۸	۲		۷			۱		
		۴		۳	۹	۸		
				۳	۱		۷	
				۵	۶		۹	
۶	۹				۸	۳		

حل سودوکو سخت

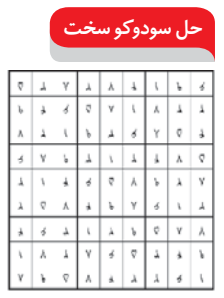

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۶۲۷

۱	۶		۵		۲	۸		
۵	۴				۳			
		۷	۴	۱	۸	۶		
			۳		۹	۷		۸
	۵	۹	۶	۸			۲	
۷		۲	۱		۴		۶	۳
		۵	۸		۶	۲	۱	۹
	۷		۲			۳		
			۹		۱			۴

حل سودوکو ۶۲۶